



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۴۰۱ - ۲۸ رجب ۱۴۴۴
سال بیست و پنجم - شماره ۶۷۰۲ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

سر مقاله

۳ موج تغییر خواهی

از فردای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون سه بار جریانات فکری-سیاسی خواستار تغییر در سبک حکمرانی یا ماهیت نظام شده‌اند؛ دفعه اول تغییر خواهی بعد از فراندوم جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ و تدوین قانون اساسی در پاییز ۱۳۵۸ خود را نشان داد. جریانات چپ، التقاطی،



عبدالله کنجی
کارشناس سیاسی

ملی و لیبرال مسلمانان، با پیدایش ماهیت نظام از جمله تعبیه اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، به مخالفت برخاستند. این در حالی بود که هم در تدوین قانون اساسی نقش داشتند و هم در فراندوم کمتر از ۲ درصد بیشتر نبودند. آنان خواستار کلمه «دموکراتیک» به جای «اسلام» بودند، اما جریان خط امام هژمون بود و امام بر «جمهوری اسلامی» یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد تأکید کردند و «جمهوری دموکراتیک» بازگان و کمونیست‌ها با اقبال اجتماعی مواجه نشد. در نهایت ملی-مذهبی‌ها با خروج از قدرت و چپ‌ها و منافقین با دست بردن به سلاح تکلیف خود را با اکثریت خط امام روشن کردند که سرنوشته برخی از آنان بسیار درس‌آموز و رسواست؛ نهایتاً تا مهر ۱۳۶۰ جریان خط امام بر سه قوه کشور حاکمیت پیدا کرد و این روند تا حدود سال ۱۳۷۷ مخالف جدی نداشت.

زمینه‌های مرحله دوم تغییر خواهی از پاییز ۱۳۶۸ - بخوانید بعد از رحلت امام - شروع شد و بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ و خصوصاً از ۱۳۷۷ کاملاً خود را نشان داد و با تشکیل مجلس ششم - با همین نظارت استصوابی - به اوج رسید. مسائلی مانند توسعه سیاسی (ورود مخالفان نظام به قدرت مثل نهضت آزادی که امام آن را منزوی کرد)، عقب‌نشینی دین از سیاست، عقب‌نشینی سیاست از فرهنگ و حذف یا مشروطه کردن ولایت فقیه شروع شد. بانیان این رویکرد کسانی نبودند که حذف از قدرت را نقطه عزیمت آن رویکرد قرار داده باشند بلکه بعد از ورود به قدرت با استفاده از ابزارهای قدرت همچون قانون به این امر مبادرت کردند. بنابر این تغییر خواهی مبنی بر هویت‌زایی و می‌بزی تعریف کردن نظام از یکسو و تلاش‌های رسانه‌ای، علمی و سیاسی برای سکولاریزه کردن نظام شروع شد و دموکراسی خواهی هدف اصلی اعلام شد. طبیعی بود که نظام در مقابل سکولاریزه کردن خود و دفاع از میراث امام کوتاه نمی‌آمد و نیامد. روند سکولاریزاسیون و درگیری با بنیان‌ها و باورهای دینی با اسلامیت نظام آن قدر عریان بود که رهبری برخی از مطبوعات را پایگاه دشمن اعلام کردند و خوانشی از اصلاحات را اصلاحات امریکایی (سکولاریسم - لیبرالیسم) اعلام کردند. رئیس‌جمهور وقت خاتمی - نیز رسماً اعلام کرد که از ادوگاه صدای دشمنان این ملک و مملکت را می‌شنود و این نشان می‌داد موضوع از حوزه اندیشه خارج و به منازعه تبدیل شده است. بعد از خروج از قدرت نیز رهیافت‌های جدید جنبش‌سازی، شبکه‌سازی و شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت که از داستان غم‌انگیز این خودی‌های غریبه‌نما می‌گذرد.

مرحله سوم تغییر خواهی اکنون شروع شده است. این تغییر خواهی در راستای بندی از بیانیته نام دوم است که تجدیدنظر ناپذیریم اما هر جا مشکلی باشد دست به اصلاح خواهیم زد. این تغییر خواهی از سوی جریان و کسانی است که ضمن اعتقاد به اسلامیت و جمهوری و ایجاد توازن در آن حاضر هستند همه جان و مال و آبروی خود را فدای آرمان‌های امام و انقلاب اسلامی کنند. اکنون تغییر خواهی با حفظ اصول بنیادین و همین قانون اساسی است. مسئله اصلاح «روش‌ها» و بازنگری در عرف‌هایی است که نه قانون اساسی است و نه قانون موضوعه. در دوران ریاست جمهوری خاتمی نیز رهبری بر اصلاح روش‌ها تأکید و مطالبه می‌کردند. اما حقیقت این بود که تجدیدنظر طلبان سراغ بنیان‌ها رفته بودند و امثال سروسش به «اجتهاد در اصول» رسیده بودند و معرفت نسبی گرا که هیچ، بلکه معرفت شالوده‌شکن، جوهر ستیز و سیال را جایگزین «معرفت ذاتی» در ساحت اندیشه کرده بودند. اکنون تغییر خواهی راه خود را حداقلاً تبحر و سکولاریسم انتخاب کرده است. این تغییر خواهی فقط از سوی حاکمیت قابل اعمال نیست که روزآمدی «فقه اجتماعی» با عنایت به «حفظ نظام از اوجب واجبات است» و «از جان حضرت ولی عصر (عج) بالاتر است» باید حوزه علمیه و مراجع معظم تقلید را نیز به میدان آورد. تغییر در روش‌ها یا احیاناً ساختارهای حکمرانی با هدف گسترش و عمق بخشی به شعاع مردم‌سالاری نظام، کمتر از مسئله معیشت نیست. باید به هر روشی که با حفظ اصول بنیادین، به کند کردن حرجه جهانخواهان کمک کند اندیشید. عفو بزرگ اخیر جلوه‌ای از اقتدار عطف‌فانه است که قابل تمجید و گسترش است، زیرا به خلع سلاح دشمنان بی‌ریشه و سردمداران تمدن حیوانی غرب منجر می‌شود.



۲ صفحه | Khameneir |

رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان نظام، نمایندگان و سفیران کشورهای اسلامی نشناختن گنجینه‌های بعثت، کفران آنها و بسنده کردن به افتخار زبانی نه عملی را از جمله رفتارهای جوامع بشری در مقابل این نعمت بیکران دانستند و گفتند: تفرقه عقب‌ماندگی و دیگر ضعف‌های متعدد عملی و علمی، نتیجه این گونه برخوردها با بعثت است

دولت‌های اسلامی ضعیف شدند چون فلسطین رارها کردند

اگر در قضیه فلسطین از روز اول، دولت‌های اسلامی محکم می‌ایستادند و مقاومت می‌کردند، قطعاً امروز وضع منطقه غرب آسیا، منطقه ما وضع دیگری بود

بی‌تردید تورم را کنترل می‌کنیم

رئیس‌جمهور در دیدار مسئولان نظام، نمایندگان و سفیران کشورهای اسلامی: با مشارکت مردم هیچ مشکلی غیر قابل حل نیست و به رهبری و مردم عزیز کشورمان عرض می‌کنیم که وضع تورمی فعلی را بی‌تردید کنترل خواهیم کرد

صفحه ۲

تجارت دریایی را از دست دزدان دریایی در آوریم

«جوان» فرازوفروید ۷۰ سال دزدی دریایی از ایران و نقش مدافعان امنیت تجارت در دوران جمهوری اسلامی را واکاوی می‌کند

صفحات ۸ و ۹

چرخه معلول سازی و مرگ در جاده‌ها!

نظارت مجلس بر نقش کیفیت پایین خودروهایی تولید داخل در سوانح مرگبار جاده‌ای در گفت‌وگوی «جوان» با ۲ عضو کمیسیون صنایع نقش استاندارد خودروی داخلی در تصادفات محرز است | صفحات ۱۴ و ۱۳

بانک پاسارگاد

یک تنه در میان برترین برندهای بانکی جهان!

بانک پاسارگاد در سال ۲۰۲۳ میلادی با صعود ۱۹ پله‌ای نسبت به سال گذشته، موفق به کسب رتبه ۲۳۸ از میان ۵۰۰ برند برتر بانکی جهان (TOP ۵۰۰ Banking Brands) شد.

به گزارش روابط عمومی بانک پاسارگاد، این بانک در طی هشت سال گذشته همواره در فهرستی که هر ساله توسط مؤسسه بین‌المللی "برندفایننس" تهیه و توسط نشریه "بنکر" از زیرمجموعه‌های "Financial Times" اعلام می‌شود، به‌عنوان باارزش‌ترین برند بانکی ایرانی معرفی شده است.

این بانک در آخرین ارزیابی که در سال ۲۰۲۳ انجام شده است، با وجود تحریم‌های مالی و بانکی تحمیل شده و افت ارزش پول ملی بارش ۲۴ درصدی در ارزش برند و صعود ۱۹ پله‌ای در رتبه‌بندی، با ارزش برند ۷۵۹ میلیون دلار موفق شد جایگاه ۲۳۸ در میان ۵۰۰ برند معتبر بانکی جهان را کسب نماید و در رتبه‌های بالاتر نسبت به بسیاری از بانک‌های معتبر منطقه‌ای و جهانی قرار گیرد.

گفتنی است این رتبه در ادامه افتخار آفرینی‌های بین‌المللی بانک پاسارگاد کسب گردیده است. پیش از این بانک پاسارگاد در سال ۲۰۲۲ برای هفتمین بار عنوان "بانک برتر اسلامی ایران" و برای هشتمین سال عنوان "بانک سال ایران" را به خود اختصاص داده بود.

لازم به ذکر است بانک پاسارگاد از سال ۲۰۱۵ (به غیر از سال ۲۰۱۶ که در این رتبه‌بندی شرکت نکرد) در رتبه‌بندی ۵۰۰ برند بانکی برتر جهان حضور داشته و همواره به‌عنوان باارزش‌ترین برند بانکی ایرانی معرفی گردیده است و در سال ۲۰۱۸ ارزش برند بانک پاسارگاد بالغ بر ۱۱۷ میلیون دلار ارزیابی گردیده بود.

The world's top 500 most valuable banking brands 201-200

2023 Rank	2022 Rank	Brand	Country
235	261	Commerzbank	Germany
236	272	Caixa Bank	Spain
237	241	BPER Group	Italy
238	257	Bank Pasargad	Iran
239	231	Hong Leong Finance	Malaysia
240	234	Bank of Turan	Azerbaijan
241	279	ABN Bank	Netherlands
242	263	AGB Bank	Germany
243	222	Nybank	Ireland

500

اخراج از لندن آغاز اخراج از آنتن است!

انتقال پخش برنامه‌های اینترنتی نشان از لندن به واشنگتن را باید در علتی دیگر غیر از آنچه خودشان اعلام کرده‌اند، جست‌وجو کرد. لندن اگر جای نامی بود، این حجم از اپوزیسیون و تروریست‌های قدیمی را در خود جا و امنیت نمی‌داد | صفحه ۲

بیانیه آرایم‌های منزوی!

متنی که تحت عنوان «بیانیه جبهه اصلاحات» در خصوص بیانیه‌های اخیر موسوی و خاتمی منتشر شد نشان داد که در روی همان پاشنه می‌چرخد و اصلاح‌طلبان می‌خواهند همچنان در برابر فهمیدن مقاومت کنند. اگر در طول آشوب‌های پاییز ۱۴۰۱ اصلاح‌طلبان سعی کردند اغتشاشگران را اکثریت مردم معرفی کنند، اکنون رسماً خود را به ندیدن و نشنیدن تصویر و صدای مردم در ۲۲ بهمن زده‌اند. نویسندگان این متن گویا اصلاح‌فراموش کرده‌اند که در طول ۴۰ سال گذشته سکان‌دار مسئولیت‌های مختلف دولتی بوده‌اند و عملاً در ۲۲ سال از این سال‌ها مستقیماً دولت همسو با نگرش آنان بر سر کار بوده است. حتی اگر بپذیریم که کهولت سنی سالخورده‌گان چپ، کار آنان را به «آرایم» کشانده، آیا مخاطبان را هم مانند خود فرض و تصور کرده‌اند که مردم هم نقش آنان را در وضع موجود ندیده می‌گیرند؟

به‌جز ابتلا به آرایم سیاسی، گویا نویسندگان این بیانیه قدرت بی‌ثباتی و ششویی خود را نیز تا حدی از دست داده‌اند، صدای باشکوه ملت ایران در ۲۲ بهمن امسال را شنیده و مدعی شده‌اند «امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که اکثریت ملت در یکسو ایستاده است و حاکمیت در سوئی دیگر...» نکته عجیب آنکه این مدعیان اصلاح‌طلبی گویا حتی همین زشت اصلاح‌طلبی خود را نیز در میانه متن از یاد برده و ناگهان به حمایت از بیانیه موسوی می‌پردازند. اگر آنان بیانیه موسوی را خوانده باشند - که ظاهراً چنین است - می‌فهمند اورسما از نظام جمهوری اسلامی عبور کرده و با براندازان و ضدانقلاب هم‌نوا شده است. چگونه کسانی که مدعی اصلاح‌طلبی در درون نظام هستند می‌توانند از این نگرش دفاع کنند؟

البته در ادامه به بیانیه خاتمی اشاره می‌شود و در واقع نشان می‌دهد که بیانیه‌های خاتمی و موسوی دو تکه از یک پازل بزرگ «براندازی» هستند که پیش‌تر هم روزنامه جوان به همین نکته متذکر شده بود. «صخره‌ای ستبر» که خاتمی و اصلاح‌طلبان مدعی هستند در برابر ملت قرار دارد، در واقع همان خود دوم‌خردادی‌هایی هستند که در طی سه دهه اخیر «کت اپوزیسیون» را با «خلوار اپوزیسیون» پوشیده‌اند. اساساً بازی سیاسی ایشان همیشه همین بوده هم به آرمان‌های انقلاب و نظام عقیده‌ای ندارند و هم می‌دانند اگر نظام نباشد، جای نخواهند داشت. می‌خواهند جمهوری اسلامی تنها‌اسمی بی‌مسما ماند که قدرت در دستشان باشد.

نویسندگان بیانیه که بی‌محلی همان اقلیت اغتشاشگر در پاییز امسال به اصلاح‌طلبان را دیده‌اند، گویی احساسی از جنس جاماندن از تحولات دارند. می‌دانند نه در بین ملت جایی دارند و رابطه خود را با نظام نیز بر هم زده‌اند. حال که آشوب‌های پاییز را شکست خورده می‌بینند، می‌خواهند فرصت طلبانه از انزوای خود فرار کنند. غافل از اینکه انزوای این آرایم‌های ناشی از کشتگری سرتاپا تناقض خودشان است و تا با مردم و نظام صادق نباشند، در روی همین پاشنه خواهد چرخید.

۸۰۰ روز بودجه و زمان می‌خواهند، افسوس!

سخنان گلشیفته در برلیناله نوعی التماس به غربی‌ها برای پایان یافته تلقی نکردن آشوب بود. همین دوسه دقیقه حرف‌های او نشان می‌دهد که کشورهای غربی از آشوب آنان ناامید و ریل قطار دشمنی را عوض کرده‌اند. البته امثال این لیدرهای براندازی هرگز و هرگز خودشان به موفقیت کارشان باور ندارند. تنها نکته واقعی در کار آنان این است که بودجه‌ای از طرف سیا و موساد و سعودی‌ها برای این آشوب‌ها تأمین شده بود و پایان یافتن این آشوب به معنای قطع آن بودجه است و لیدرها همه تلاش‌شان برای اینکه به غربی‌ها بیاورند که انقلابشان تمام نشده، تضمین ادامه دریافت همین بودجه است. گلشیفته به حاضر در این جشنواره سینمایی می‌گوید که انقلاب آفرینای جنوبی ۸۰۰ روز طول